

الگوی ساختاری تأثیر شدت تخطی‌ها، همدلی، احساس گناه و شرمساری، رفتارهای دلجویی و بخشایشگری ادراک شده با خودبخشایشگری در بین دانشجویان دانشگاه اصفهان

محمدعلی نادى^{۱*}، بهاره لبكى^۲

۱- دانشیار گروه روانشناسی، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد اصفهان (خوراسگان)، اصفهان، ایران

۲- کارشناسی ارشد روانشناسی، گروه روانشناسی، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد اصفهان (خوراسگان)، اصفهان، ایران

چکیده

هدف پژوهش بررسی الگوی ساختاری تأثیر شدت تخطی‌ها، همدلی، احساس گناه و شرمساری، رفتارهای دلجویی و بخشایشگری ادراک شده با خودبخشایشگری در بین دانشجویان بود که با روش توصیفی از نوع همبستگی انجام گرفت. گروه نمونه شامل ۳۶۱ نفر به روش نمونه‌گیری تصادفی مبتنی بر حجم انتخاب شدند. ابزارهای گردآوری داده‌ها شامل سیاهه افتراق معنایی تخطی مک کانل، شاخص واکنش بین فردی دیویس، مقیاس حالت شرمساری و گناه مارشال، سانفتنر و تانگنی، مقیاس رفتارهای دلجویی مکالو، سانداگ، ورتینگتون، پرسشنامه انگیزه‌های تخطی‌بین فردی مکالو، راشال، سانداگ و ورتینگتون، براون و هیت، مقیاس خودبخشایشگری ول، دی شی و واکینی بود. نتایج پژوهش نشان داد بین شدت تخطی و احساس گناه و شرمساری با خودبخشایشگری رابطه معکوس و معنادار و بین رفتارهای دلجویی با خودبخشایشگری رابطه‌ای معناداری یافت نشد. همچنین بین همدلی و بخشایشگری ادراک شده با خودبخشایشگری رابطه مثبت و معنادار وجود داشت. نتایج مدل یابی معادلات ساختاری نیز نشان داد که متغیرهای همدلی، احساس شرم و بخشایش ادراک شده اثر مستقیم بر خودبخشایشگری و رفتارهای دلجویی، بخشایش ادراک شده نیز دارای نقش واسطه‌ای بودند.

واژه‌های کلیدی: خود بخشایشگری، همدلی، گناه، دلجویی، دانشجویان.

مقدمه

علم روان‌شناسی فقط خاص پرداختن به بیماری‌های روانی نیست و باید به همان اندازه که به درمان بیماری‌ها می‌پردازد، به سلامتی و ارتقای کیفیت زندگی افراد نیز توجه کند (سلیگمن و سیکزنت میهالی، ۲۰۰۰). روابط نزدیک و دوطرفه از اجزاء مهم زندگی انسان‌ها و مؤلفه ضروری روان‌شناسی اجتماعی محسوب می‌شوند (مایرز، ۲۰۱۰؛ ساریکام و اکین، ۲۰۱۳). روابط نزدیک از آن دسته روابط اجتماعی هستند که صفات مثبت بسیاری همچون خودباوری^۱، شادی^۲، نشاط^۳ و هماهنگی را موجب می‌شوند (فردریکسون، ۲۰۰۲؛ شیوتا، کامپوس، کلنتر، هرنتشتاین و فیلیات، ۲۰۰۴)، اما همچنین می‌توانند صفات منفی همچون آسیب‌پذیری، خشم، تحقیر و تنهایی را هم موجب شوند (ساراسون و داک، ۲۰۰۱). لحظاتی وجود دارد که فرد با ارتکاب خطا در رابطه با دیگران، خود و یا شکست در رعایت کردن استانداردهای شخصی^۴، استانداردهای دیگران یا استانداردهای معنوی^۵ دچار عمل خطا می‌شود. زمانی که خطاکننده^۶ برای قربانی^۷ (کسی که بر اثر آسیب وارده رنجیده خاطر شده است) همدلی^۸ می‌کند و مسئولیت می‌پذیرد، اغلب پشیمانی را به صورت احساس گناه^۹ و یا سرزنش خود^{۱۰} تجربه می‌کند. به عبارت دیگر، احساس گناه و شرم، احساس‌های

خودتنبیهی^{۱۱} دردناکی هستند که به ترتیب بر رفتارها یا عیوب شخصیتی تمرکز دارند (فیشر و اکسلاین، ۲۰۰۶؛ تانگنی و دیرینگ، ۲۰۰۲) و در واقع انجام یک عمل اشتباه، ممکن است به افکار، احساسات و رفتارهای خود تخریبی منجر شود (ول، دیشیا و واکینی، ۲۰۰۸) و زندگی در میان این احساسات اغلب باعث می‌شود خطا کار کمتر به خود ارزش و احترام بگذارد (دیلون، ۲۰۰۱) و به جهت رهایی از این عواطف منفی روانشناختی، خطا کاران مکرراً درگیر خودبخشایشگری^{۱۲} می‌شوند (مک کانل، دیکسون، فینچ و هولمز، ۲۰۱۲). خودبخشایشگری به عنوان یکی از مفاهیم معنوی و صفات مثبت شخصیت و به عنوان مهم‌ترین بُعد بخشش، تقریباً کشف نشده باقی مانده است (هال و فینچام، ۲۰۰۵). نظریه‌پردازان و پژوهشگران به تازگی توجه خود را به سمت ساختار روان‌شناختی مهم بخشش درون فردی جلب کرده‌اند (هال و فینچام، ۲۰۰۸؛ دیلون، ۲۰۰۱؛ ورتینگتون، ۲۰۰۶). خودبخشایشگری یک عمل آگاهانه، فرایند خطی یا فرایند مصالحه‌آمیز به وسیله جایگزینی یا حذف گناه و یا شرم که از طریق به عهده گرفتن مسئولیت، تلاش در جبران کردن، ارزش نهادن به خود با وجود محدودیت‌ها و اصلاح نقص‌های رفتاری و شخصیتی بوجود می‌آید و در ارتباط با خطاهای بین فردی، درون فردی و یا معنوی انجام می‌گیرد (مککانل، ۲۰۰۹؛ تانگنی، بون و دیرینگ، ۲۰۰۵). فرایند خودبخشایشگری می‌تواند در شخص ایجاد عواطف منفی همچون خشم، رنجش، احساس گناه، شرم، سرزنش خود، افسردگی، اضطراب، تأسف و غم

- 1 self-beliefness
- 2 happiness
- 3 vivacity
- 4 personal standards
- 5 spiritual standards
- 6 offender
- 7 victim
- 8 empathy
- 9 guilt
- 10 self- taunt

- 11 toxic intropunitive feelings
- 12 self forgiveness

خودکشی نیز باشد، زیرا خودبخشایشگری برای سبک کردن احساس گناه و شرم است (اوری، ۲۰۰۸). هال و فینچام (۲۰۰۸) دریافتند تخطی‌های شدیدتر به احساس گناه و شرمساری بیشتر می‌انجامد که برای به وقوع پیوستن خودبخشایشگری باید حل و فصل شوند. افرادی که مرتکب خطا می‌شوند، از طریق تنش، ناراحتی یا تأسف، احساس گناه و شرم کرده که به طور منفی با خودبخشایشگری در ارتباط است (استرلان، ۲۰۰۷). لازار (۲۰۰۴) به رفتارهای دلجویی اشاره نمود که تخطی‌گران در پاسخ به فشارهای درونی، از آن استفاده می‌کنند و شامل معذرت‌خواهی و طلب بخشش از فرد قربانی است. ویتولیت، لادویک و بائر (۲۰۰۲) به این نتیجه دست یافتند که وقتی گناهکاران تصور بخشایش از کسی می‌کردند که درباره او خطا کرده بودند، درک آنها از خودبخشایشگری افزایش و احساسات اخلاقی آنها بهبود می‌یافت. هال و فینچام (۲۰۰۵) نیز به رابطه بخشایشگری ادراک شده با خودبخشایشگری پی بردند که عبارت از میزانی است که یک خطاکار اعتقاد دارد فرد قربانی او را بخشیده است و با افزایش هیجان‌های روان‌شناختی مثبت در شخص خطاکار همراه است. همچنین احساسات همدلانه می‌تواند یک ابزار مهم در درک این مطلب از سوی افراد خاطی باشد که به خودبخشایشگری نیازمند هستند (مک کانل، دیکسون، فینچ و هولمز، ۲۰۱۲). مطالعات نشان داده است خطاکارانی که خود را بخشیده‌اند در مقایسه با خطاکارانی که خود را نبخشیده‌اند نسبت به قربانی همدلی بیشتری داشته‌اند (زکمایستر و رومرو^۳، ۲۰۰۲).

و اندوه نماید؛ به محض اتمام فرایند خودبخشایشگری، فرد، از احساسات منفی نسبت به خود رها شده و آنها را با احساسات مثبت از قبیل همدلی، شفقت، مهربانی و عشق به خود جایگزین می‌نماید (بری و ورتینگتون، ۲۰۰۱).

لاسکین (۲۰۰۲) بیان می‌کند که خودبخشایشگری حاصل آگاهی از این امر است که «نگهداشتن کینه و دلخوری از یک رویداد روش مناسبی برای رهایی از وضعیت خشم و سرخوردگی نیست». دیلون (۲۰۰۱) معتقد است خودبخشایشگری شامل بازسازی عزت نفس می‌شود و از سه مرحله تشکیل شده است: مرحله اول وجود یک عمل نادرست یا خطای عینی و عملی، مرحله دوم غلبه بر احساس بدی که توسط این خطا تحریک شده است، مرحله سوم ایجاد پذیرش درونی از خود در شخص خطاکار. زمانی که انسان‌ها خود را می‌بخشند، احساسات، اعمال و اعتقادات آنها در مورد خود مثبت‌تر می‌شود، دوباره شروع به دوست داشتن خود می‌کنند و باور می‌کنند که افرادی ارزشمند هستند (ول، دشیا و واکینی، ۲۰۰۸).

خودبخشایشگری افزایش دهنده احترام به خود، سلامت روان^۱ (جاکینتو، ۲۰۰۷)، رضایت از زندگی (تامپسون، اسنایدر، هافمن، میشاییل، راسموسن، بلینگزو همکاران، ۲۰۰۵) و کاهش دهنده نتایج منفی از قبیل اضطراب و افسردگی است (مالتبی، ماکاسکیل و دی، ۲۰۰۱). درد و رنجش دخیل در احساس شرم و گناه می‌تواند به آسیب روان‌شناختی و جسمانی و تأثیر منفی بر جنبه‌های مختلف زندگی منجر شود که حاکی از اهمیت خودبخشایشگری است. خودبخشایشگری می‌تواند عامل محافظت‌کننده در برابر ریسک

2 conciliatory behaviors
3 Zechmeister & Romero

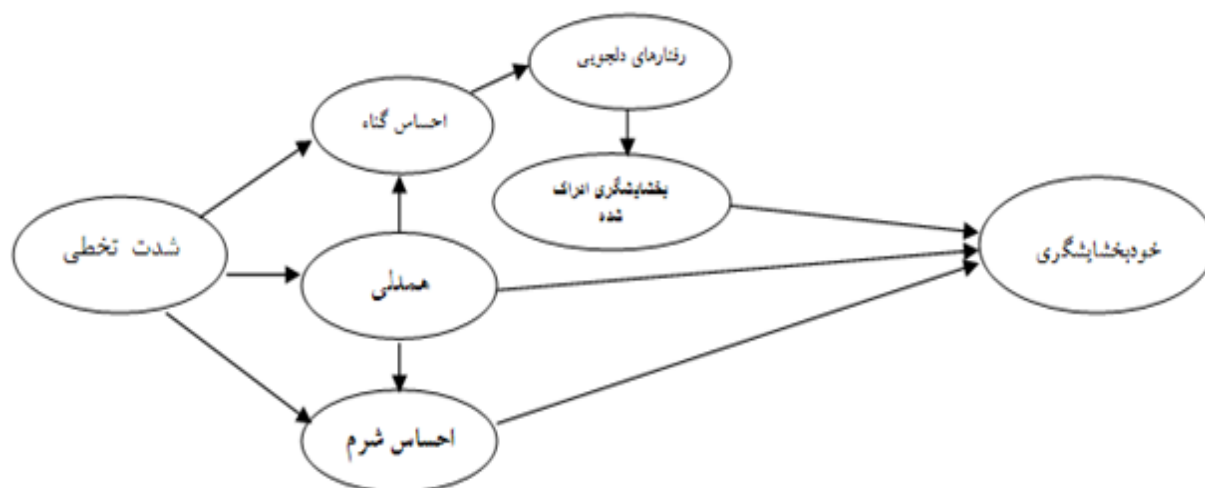
1 mental health

طریق رفتارهای دلجویی و طلب بخشش از قربانی تسکین می‌دهد که این امر با توجه به درک بخشایشگری از جانب قربانی به تسهیل فرایند خودبخشایشگری منجر خواهد شد. اینکه احساس گناه و شرم در مقایسه با همدلی چه تاثیری بر خودبخشایشگری می‌تواند داشته باشد و آیا احساس گناه با کاهش رفتارهای دلجویانه قادر است بخشایشگری ادراک شده و در نهایت خودبخشایشگری را تحت تاثیر قرار دهد، از ویژگی‌های متمایز مدل این پژوهش است. بنابراین هدف اصلی بررسی تاثیر شدت تخطی، احساس گناه و شرمساری به عنوان متغیر پیش‌بین و رفتارهای دلجویی و بخشایشگری ادراک شده^۱ به عنوان متغیرهای واسطه‌ای بر خودبخشایشگری به عنوان متغیر ملاک است (شکل ۱). براین اساس برحسب مدل نظری پژوهش فرضیه زیر مطرح بود:

مدل نظری فرایند خودبخشایشگری از برآزش مطلوبی برخوردار است.

ورود به دانشگاه با بروز تغییرات زیادی در روابط اجتماعی و انسانی، از جمله شکل‌گیری شبکه‌های اجتماعی جدید همراه است (اوربی، اسنل و کالیس، ۲۰۰۹) و روی دادن بعضی خطاهای انسانی نیز در این تعاملات اجتناب‌ناپذیر است، شخص به دنبال ارتکاب تخطی، درگیر هیجانات منفی (اضطراب، بی‌ارزشی، عزت نفس پایین و...) می‌شود که با توجه به تاثیر اثبات شده خودبخشایشگری در کاهش یا برطرف ساختن هیجان‌های منفی ناشی از احساس گناه و ایجاد رشد اخلاقی، به این ترتیب شناسایی و تعیین روابط متغیرهایی که ممکن است در فرایند خودبخشایشگری نقش داشته باشند، ضروری به نظر می‌رسد، چرا که این مقوله در حیطه‌ی روان‌شناسی مثبت‌نگر جای داشته و هدف اصلی آن ارتقای بهداشت روانی فرد است. این پژوهش بر آن است تا با ارایه مدل خودبخشایشگری گامی کوچک در زمینه پر نمودن خلأ دانش در زمینه شناخت و گسترش این پدیده‌ی روان‌شناختی مثبت در کشور بردارد. در این مدل نظری که برگرفته از مدل هال و فینچام (۲۰۰۸) است، مجموعه متغیرها نسبت به مدل‌هایی همچون مدل فرایندی انرایت (۱۹۹۱)، مدل پاسخ-تمایل لانگ (۱۹۹۵)، مدل چهار مرحله‌ای خودبخشایشگری انرایت (۱۹۹۵)، مدل هر می ورتینگتون (۱۹۹۸)، مدل ترمیمی خودبخشایشگری لاسکین (۲۰۰۲)، مدل هنجاری احساسات الزورث و شرر (۲۰۰۳)، مدل خودبخشایشگری هال و فینچام (۲۰۰۵)، مدل استرلان و کوویچ (۲۰۰۶)، مدل پنج مرحله‌ای رسیدن به خودبخشایشگری ورتینگتون (۲۰۰۶)، به طور کامل‌تر و دقیق‌تر در کنار یکدیگر قرار گرفته‌اند (لبکی، ۱۳۹۳). تقدم و تاخر آنها به نحوی است که تخطی کننده، احساس گناه خود را از

1 perceived forgiveness



شکل (۱) مدل نظری فرایند خودبخشایشگری برگرفته شده از هال و فینچام (۲۰۰۸)

دانشکده اقتصاد و علوم اداری و ۱/۴ دانشکده حمل و نقل) تعداد نمونه‌های منتخب در نمونه‌گیری به شکل تصادفی از بین دانشجویان انتخاب و پرسشنامه‌های پژوهش در اختیار آنها قرار گرفت. افراد شرکت‌کننده در این پژوهش در دامنه سنی ۱۸-۴۴ سال قرار داشتند، معدل آنها بین ۱۲ تا ۲۰ در نوسان بوده است. زمان پاسخگویی به همه پرسشنامه‌ها همراه با هم بین ۲۰ تا ۲۵ دقیقه به طور میانگین بوده است.

ابزار سنجش: سیاهه افتراق معنایی تخطی^۲؛ در پژوهش حاضر شدت تخطی^۳ با استفاده از سیاهه افتراق معنایی تخطی مک کانل (۲۰۰۹) سنجیده می‌شود. این سیاهه دو خرده‌مقیاس دارد که هر کدام ۱۲ صفت را با طیف ۷ درجه‌ای، ادراک فرد خاطی و فرد قربانی را به صورت جداگانه مورد ارزیابی قرار می‌دهد. در این سیاهه فهرستی از توصیف‌های مثبت و نقطه مقابل آن، توصیف‌های منفی آورده شده است (مانند بی‌رحم ۶۷ تا ۱۲۳۴۵ مهربان) که عدد نزدیک به توصیف

روش

روش پژوهش، جامعه آماری و نمونه: از آنجا که این مقاله سعی در یافتن الگوی روابط ساختاری بین شش سازه شدت تخطی‌ها، همدلی، احساس گناه و شرمساری، رفتارهای دلجویی، بخشایشگری ادراک شده و خودبخشایشگری دارد از نوع مطالعات علی همبستگی است. جامعه آماری این پژوهش را دانشجویان دختر و پسر مقطع کارشناسی دانشگاه اصفهان تشکیل دادند، که با استفاده از جدول تعیین حجم نمونه کوهن، مانیون و موریسون^۱ (۲۰۰۰) (به نقل از نادری و سجادیان، ۱۳۸۹). تعداد ۳۶۱ نفر (۲۴۳ نفر زن و ۱۱۷ نفر مرد) تعیین و سپس براساس روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای متناسب با سهم جمعیت طبقه در جامعه، حجم نمونه‌ی هر دانشکده مشخص گردید و با مراجعه به ۸ دانشکده‌ی دانشگاه اصفهان (۲۱/۶ دانشکده فنی و مهندسی، ۲۴/۴ دانشکده علوم انسانی، ۶/۲ دانشکده علوم پایه، ۴/۲ دانشکده تربیت بدنی، ۱۱/۴ دانشکده زبان، ۱۴/۳ دانشکده علوم، ۱۶/۵

2 Transgression Semantic Differentiation (TSD)
3 severity of transgressions

1 Cohen, Mannion & Morrison

شاخص واکنش‌گری بین فردی^۳: دیویس (۱۹۹۴) شاخص واکنش بین فردی را تدوین نموده است که منظور از آن ساختارهایی است که مربوط به واکنش‌های یک فرد در مقابل تجارب دیگران می‌شود. این شاخص ۲۸ گویه دارد که به سنجش ۴ بعد همدلی شامل نگرانی همدلانه^۴، پریشانی شخصی^۵، خیالپردازی^۶ و خود را به جای دیگری گذاردن^۷ می‌پردازد و هر یک از ابعاد دارای ۷ گویه است. در این پژوهش به سنجش دو جنبه از آمادگی‌های همدلانه (نگرانی همدلانه و خود را به جای دیگری گذاردن) پرداخته شده است. شاخص واکنش‌گری بین فردی با استفاده از مقیاس لیکرت پنج درجه‌ای (کاملاً مرا توصیف می‌کند=۵ و اصلاً مرا توصیف نمی‌کند=۱) کمی‌سازی شده و نمرات بیشتر همدلی بالاتر را می‌رساند. این شاخص از سطح مطلوب همسانی درونی برای زنان ($\alpha=0/70$ و $\alpha=0/78$) و مردان ($\alpha=0/72$) برخوردار بوده است (دیویس، ۱۹۹۴). همه سطوح مطلوب اعتبار درونی را از محدوده ۰/۷۱ تا ۰/۷۷ نشان داده‌اند (دیویس ۱۹۹۴). علاوه بر این، اطمینان آزمون مجدد از محدوده ۰/۶۲ تا ۰/۷۱ است (دیویس، ۱۹۹۴). در پژوهش حاضر نیز آلفای کرونباخ ۰/۷۰ به دست آمد. در نمره‌گذاری با توجه به محتوا، گویه‌های ۲، ۳، ۷، ۸ و ۹ معکوس شد. با استناد به نتایج معنادار آزمون کیزر-مایر-الکین ($KMO=0/75$) و کرویت بارتلت برابر با ۸۳۹/۱۸ دو عامل استخراج شد ($p \leq 0/05$) و مقدار واریانس تبیین شده برای هر یک از عوامل اول و دوم به

نشان‌دهنده توافق بیشتری با آن توصیف است. دستورالعمل این مقیاس به شرکت‌کنندگان اجازه می‌دهد تا عددی که بیشتر به باورهایشان نزدیک است و همچنین دیدگاه قربانیان درباره اتفاقات را، انتخاب کنند. مقیاس استفاده شده، مقیاس هفت درجه‌ای لیکرت بین صفت‌ها (به عنوان مثال، تمایل به خوبی) و متضادشان (به عنوان مثال، گرایش به بدی) است. نمرات بالاتر منعکس‌کننده تخطی‌های شدیدتر است. همسانی درونی برای خرده‌مقیاس‌های ادراک فرد خاطی و ادراک فرد قربانی به ترتیب ۰/۷۷ و ۰/۸۹ گزارش شده است. آلفای کرونباخ در پژوهش حاضر ۰/۹۴ به دست آمده است. همچنین روایی سازه این ابزار به روش تحلیل عاملی محاسبه گردید و نتایج دو عاملی بودن خرده مقیاس شدت تخطی از دیدگاه خطاکار و تک عاملی بودن شدت تخطی از دیدگاه قربانی را نشان داد. از دیدگاه خطاکار با استناد به نتایج معنادار ($p \leq 0/05$) آزمون کیزر-مایر-الکین^۱ ($0/91 = KMO$) و کرویت بارتلت^۲ برابر با ۲۰۷۳/۸۳ دو عامل استخراج شد. نتایج پژوهش نشان داد که مقدار واریانس تبیین شده برای هر یک از عوامل اول و دوم به ترتیب ۳۶/۵۲ و ۲۲/۵۲ برآورد شده است که در مجموع ۵۰/۰۵ از واریانس کل را تبیین می‌کند و از دیدگاه قربانی با استناد به نتایج معنادار ($p \leq 0/05$) آزمون کیزر-مایر-الکین ($KMO = 0/94$)، کرویت بارتلت برابر با ۲۷۵۵/۹۵ یک عامل استخراج شد. نتایج پژوهش نشان داد که مقدار واریانس تبیین شده برای مقیاس تک عاملی ۵۸/۷۸ برآورد شده است. به این معنی که، ۵۶/۶۳ از واریانس کل را تبیین می‌کند.

3 Interpersonal Reactivity Index (IRI)

4 empathic concern

5 personal distress

6 fantasy

7 perspective- taking

1 Kiser- Meyer- Olkin

2 Bartlett's test of sphericity

این مقیاس یک سطح قابل قبولی از همسانی درونی ($\alpha=0/79$) را نشان داده است (مکالو و همکاران، ۱۹۹۷). قابلیت اطمینان و روایی تشخیصی برای مقیاس رفتارهای دلجویی گزارش شده است (مک کانل، ۲۰۰۹). در پژوهش حاضر آلفای کرونباخ $0/80$ به دست آمد. با استناد به نتایج معنادار ($p \leq 0/05$) آزمون کیزر مایر-الکین ($KMO=0/78$)، کرویت بارتلت برابر با $600/19$ یک عامل استخراج شد. مقدار واریانس تبیین شده برای مقیاس تک عاملی $56/63$ برآورد شده است. به این معنی که، $56/63$ از واریانس کل را تبیین می‌کند.

پرسشنامه انگیزه‌های تخطی بین فردی^۴: تدوین این پرسشنامه توسط مکالو، راشال، سانداگ، ورتینگتون، براون و همکار (۱۹۹۸) صورت گرفت و از ۱۲ گویه تشکیل شده است که دو خرده‌مقیاس اجتناب ($\alpha=0/90$) و انتقام ($\alpha=0/86$) را در بر گرفته است. خرده‌مقیاس اجتناب دارای ۵ ماده و خرده‌مقیاس انتقام دارای ۷ ماده است و به وسیله یک مقیاس لیکرت هفت درجه‌ای (کاملاً نادرست=۱ و کاملاً درست=۷) کمی‌سازی شده است و شرکت کنندگان در رابطه با تخطی‌های خود به پاسخگویی می‌پردازند و نمرات بالا نشان‌دهنده بخشایشگری ادراک شده^۵ بالاتر است. قابلیت اطمینان و روایی تشخیصی این پرسشنامه معتبر گزارش شده است (مک کانل، ۲۰۰۹). آلفای کرونباخ در پژوهش حاضر $0/80$ به دست آمد. با استناد به نتایج معنادار ($p \leq 0/05$) آزمون کیزر مایر-الکین ($KMO=0/88$) و کرویت بارتلت برابر با $2361/82$ دو عامل استخراج شد. مقدار واریانس تبیین شده برای

ترتیب $18/22$ و $16/48$ برآورد شده است که در مجموع $34/70$ از واریانس کل را تبیین می‌کند.

مقیاس حالت شرمساری و گناه^۱: مارشال، سانفتنر و تانگنی در سال (۱۹۹۵) این مقیاس را ابداع نمودند که از ۱۵ گویه برای سنجش خرده مقیاس‌های این مقیاس که شامل احساس گناه، احساس شرمساری و غرور (هر کدام ۵ گویه) هستند، تشکیل شده و با مقیاس طیف لیکرت با دامنه‌ای از یک تا پنج (به هیچ وجه چنین احساسی نداشته‌ام=۱ و بسیار زیاد این احساس را داشته‌ام=۵) درجه‌بندی شده است و نمرات بیشتر نشان‌دهنده سطوح بالاتری از احساس گناه و شرمساری^۲ است. سطح مطلوب ثبات قابلیت اطمینان را برای احساس گناه ($\alpha=0/82$) و شرمساری ($\alpha=0/89$) نشان می‌دهد (تانگنی و دیرینگ، ۲۰۰۲). این مقیاس بر حسب پس زمینه‌ای تجربی و غنی نظری تدوین شده است (تانگنی و دیرینگ، ۲۰۰۲). آلفای کرونباخ به دست آمده در پژوهش حاضر $0/88$ است. برای این ابزار با استناد به نتایج معنادار ($p \leq 0/05$) آزمون کیزر مایر-الکین ($KMO=0/89$) و کرویت بارتلت برابر با $1542/3$ دو عامل استخراج شد. مقدار واریانس تبیین شده برای هر یک از عوامل اول و دوم به ترتیب $34/76$ و $25/80$ برآورد شده است که در مجموع $60/57$ از واریانس کل را تبیین می‌کند.

مقیاس رفتارهای دلجویی^۳: مکالو و سانداگ و ورتینگتون (۱۹۹۷) این مقیاس را تهیه نموده‌اند این مقیاس پنج گویه دارد که با طیف لیکرت با دامنه‌ی پنج (شدیداً مخالفم=۵ و شدیداً موافقم=۱) درجه‌بندی شده است و نمرات بالاتر نشان‌دهنده دلجویی بیشتر است و

4 Transgression- Related Interpersonal Motivations Inventory (TRIM)
5 perceived forgiveness

1 State Shame and Guilt Scale (SSGS)
2 guilt and shame
3 Conciliatory Behaviors Scale (CBS)

سؤالات و ویرایش شده از نظر اطمینان با پرسشنامه‌های انگلیسی توسط یکی از اساتید تطبیق داده شد. بدین شکل که واژه‌ها و اصطلاحات مورد استفاده در ترجمه‌ی سؤالات به لحاظ معنی و مفهوم با واژه‌های انگلیسی تطبیق داده شد تا احیاناً اصطلاحات ترجمه شده باعث برهم خوردن مفهوم سوال نشود و در نهایت در مورد نمونه اصلی اجرا شد.

یافته‌ها

به منظور تجزیه تحلیل داده‌های پژوهش از روش‌های آماری در دو سطح توصیفی و استنباطی استفاده شد. جدول ۱ میانگین، انحراف معیار و همبستگی درونی بین متغیرهای پژوهش را نشان می‌دهد. با توجه به جدول ۱ میانگین و انحراف معیار شدت تخطی (۱۰۲/۶ و ۲۶/۲)، همدلی (۴۸/۸ و ۷/۲)، احساس گناه و شرمساری (۲۴/۶ و ۸/۵)، رفتارهای دلجویی (۱۸/۱، ۳/۸)، بخشایشگری ادراک شده (۵۲/۸، ۱۲/۳) و خودبخشایشگری (۷/۵ و ۵۱/۷) به دست آمده است. همچنین یافته‌های جدول ۱ نشان می‌دهد بین مقیاس کل شدت تخطی ($p \leq 0/01$) و $r = -0/27$ و احساس گناه و شرمساری ($p \leq 0/01$) و $r = 0/51$ با خود بخشایشگری رابطه منفی و معنادار آماری وجود دارد، یعنی با افزایش شدت تخطی و احساس گناه و شرمساری، خودبخشایشگری کاهش می‌یابد و بالعکس. بین همدلی ($p \leq 0/05$ و $r = 0/13$) و بخشایشگری ادراک شده ($p \leq 0/01$ و $r = 0/15$) با خود بخشایشگری رابطه مثبت و معنادار آماری وجود دارد. در حالی که بین رفتارهای دلجویی با خود بخشایشگری رابطه معنادار آماری وجود ندارد.

هریک از عوامل اول و دوم به ترتیب ۴۳/۳۴ و ۱۵/۷۳ برآورد شده است که در مجموع ۵۹/۰۸ از واریانس کل را تبیین می‌کند.

مقیاس خودبخشایشگری؛ ول، دی شی و واکینی در سال (۲۰۰۸) این مقیاس را ابداع نمودند که از دو خرده‌مقیاس احساسات و کنش‌های خودبخشایشگری شامل ۸ گویه و باورهای خودبخشایشگری ($\alpha = 0/86$) شامل ۹ گویه تشکیل شده است و سطوح مطلوب ثبات اعتبار درونی و همچنین همگرایی و اعتبار تفکیک را نشان می‌دهد. در پژوهش حاضر نیز آلفای کرونباخ ۰/۸۱ به دست آمد. کلیه گویه‌ها با استفاده از یک مقیاس چهار درجه‌ای (کاملاً=۴ و به هیچ وجه=۱) درجه‌بندی شده‌اند که نمرات بالاتر نشانگر خودبخشایشگری هستند. با استناد به نتایج معنادار ($p \leq 0/05$) آزمون کیزر-مایر-الکین ($KMO = 0/87$) و کروییت بارتلت برابر با ۲۵۴۴/۸۴ دو عامل استخراج شد. مقدار واریانس تبیین شده برای هر یک از عوامل اول و دوم به ترتیب ۲۶/۶۵ و ۲۱/۲۶ برآورد شده است که در مجموع ۴۷/۹۱ از واریانس کل را تبیین می‌کند. در ترجمه‌ی مقیاس‌ها ابتدا پرسشنامه فرم انگلیسی به فارسی برگردانده شد، سپس در اختیار هشت نفر از متخصصین روان‌شناسی مسلط به زبان انگلیسی قرار داده شد تا متن ترجمه را با متن اصلی تطبیق دهند. در مرحله بعد با استفاده از نظر این متخصصان ترجمه پرسشنامه مورد اصلاح و بازبینی قرار گرفت. پرسشنامه بازبینی شده به صورت آزمایشی در اختیار سی نفر از دانشجویان قراردادده شد تا موارد ابهام مشخص شود، سپس ویرایش ادبی سؤالات مبهم و سوالاتی که فهم آنها دشوار بود انجام شد. در نهایت یک بار دیگر

جدول (۱) شاخص‌های توصیفی و همبستگی بین متغیرهای پژوهش

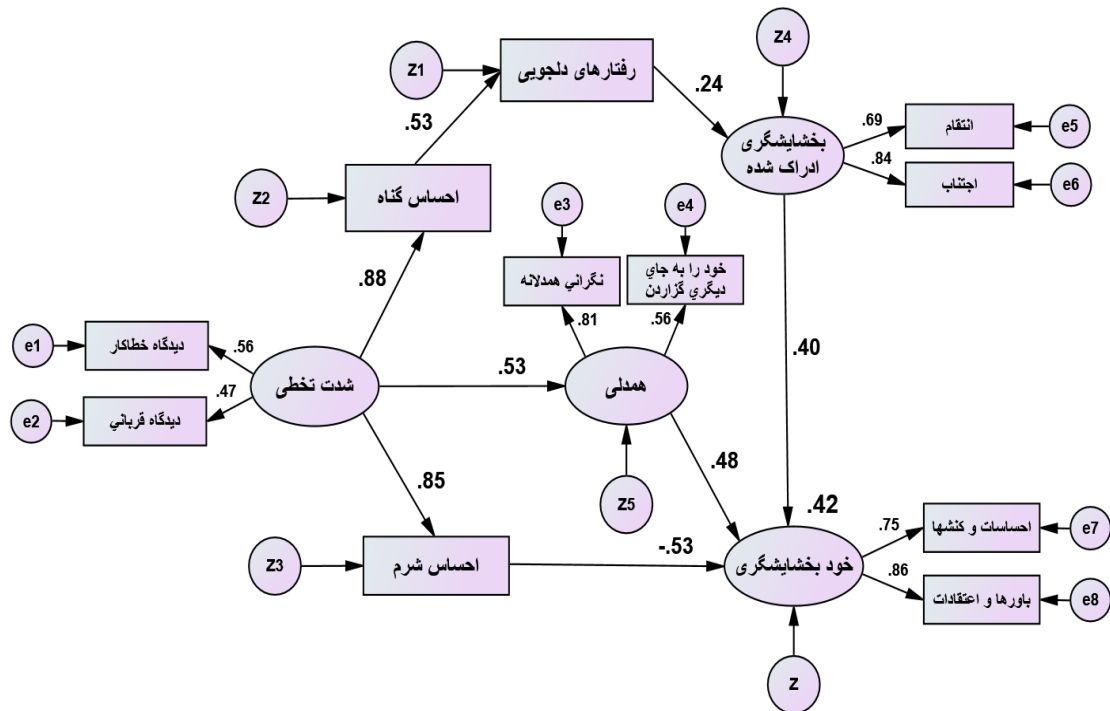
ردیف	متغیرهای پژوهش	میانگین	انحراف معیار	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸
۱	مقیاس کل شدت تخطی	۱۰۲/۶	۲۶/۲	۰/۸۷ ^{oo}	۰/۸۹ ^{oo}						
۲	همدلی	۴۸/۸	۷/۲	۰/۰۹	۰/۰۵	۰/۰۸					
۳	احساس گناه و شرمساری	۲۴/۶	۸/۵	۰/۳۲ ^{oo}	۰/۲۵ ^{oo}	۰/۳۲ ^{oo}	۰/۲۰ ^{oo}				
۴	رفتارهای دلجویی	۱۸/۱	۳/۸	۰/۱۸ ^{oo}	۰/۱۱ ^{oo}	۰/۱۶ ^{oo}	۰/۳۲ ^{oo}	۰/۳۸ ^{oo}			
۵	بخشایشگری ادراک شده	۵۲/۸	۱۲/۳	-۰/۱۱	-۰/۱۷ ^{oo}	-۰/۱۶ ^{oo}	-۰/۰۴	-۰/۱۸ ^{oo}	-۰/۰۲		
۶	خود بخشایشگری	۵۱/۷	۷/۵	-۰/۲۷ ^{oo}	-۰/۲۱ ^{oo}	-۰/۲۷ ^{oo}	۰/۱۳ ^{oo}	-۰/۵۱ ^{oo}	-۰/۰۶	۰/۱۵ ^{oo}	

^{oo}p≤۰/۰۱ و ^op≤۰/۰۵ و N=۳۵۷

مدل سازی معادله ساختاری

به منظور بررسی اثرات مستقیم و غیرمستقیم متغیرهای مستقل پژوهش بر متغیر وابسته از مدل سازی معادله ساختاری استفاده گردید، برآوردهای مربوط به شاخص‌های ارزیابی کلیت مدل معادله ساختاری و پارامترهای اصلی این مدل (اثرات مستقیم و غیرمستقیم متغیرهای مستقل بر وابسته) در شکل ۲ و جداول ۳ و ۲ زیر گزارش شده است:

برای تعیین میزان تأثیر متغیرهای پیش بین پژوهش بر خودبخشایشگری (متغیر ملاک) از مدل یابی معادلات ساختاری (structural equation model) استفاده شد. مدل ساختاری شامل یک مجموعه معادلات ساختاری است که روابط علی ممکن بین متغیرها را توصیف می‌کند. نتایج مدل یابی معادله ساختاری در جدول ۲ و شکل ۲ ارایه شده است.



شکل (۲) مدل معادله ساختاری اثر متغیرهای مستقل بر وابسته پژوهش

رفتارهای دلجویی و خودبخشایشگری ادراک شده بر خودبخشایشگری تأثیر غیرمستقیم دارد. در رابطه با احساس شرمساری وجود رابطه منفی و معنادار این مولفه با خودبخشایشگری در سطح همبستگی ساده تأیید شد (جدول ۱)، به علاوه بر اساس نتایج جدول ۳ و شکل ۲ احساس شرمساری در قالب مدل معادلات ساختاری نیز دارای اثر مستقیم بر خودبخشایشگری بود. همچنین با وجود اینکه در سطح روابط همبستگی ساده بین رفتارهای دلجویی با خودبخشایشگری هیچ رابطه معناداری یافت نشد، اما وقتی این مولفه در مدل معادلات ساختاری در کنار سایر متغیرها قرار گرفت به واسطه متغیر بخشایشگری ادراک شده به طور غیرمستقیم، خودبخشایشگری را تحت تأثیر قرار داد و بالاخره بخشایشگری ادراک شده هم در سطح روابط همبستگی ساده (جدول ۱) و هم بر اساس مدل معادلات ساختاری (شکل ۲) دارای تأثیر مستقیم و معنادار بر خودبخشایشگری است.

با توجه به روابط پیچیده بین متغیرها در مدل معادلات ساختاری شکل ۲ و همچنین با توجه به یافته‌های روابط همبستگی ساده که در جدول ۱ آورده شده است، می‌توان نتیجه نهایی را در مورد فرضیه پژوهش به این صورت تشریح نمود: وجود رابطه معکوس و معنادار بین شدت تخطی و خودبخشایشگری در سطح همبستگی ساده تأیید شد (جدول ۱). در رابطه با همدلی نیز در سطح همبستگی ساده بر اساس یافته‌های جدول ۱ رابطه معنادار آن با خودبخشایشگری تأیید می‌گردد و بر اساس مدل معادلات ساختاری همدلی هم به صورت مستقیم و هم به واسطه احساس گناه و شرمساری تأثیر غیرمستقیم خود را بر خودبخشایشگری اعمال می‌کند. احساس گناه در سطح روابط همبستگی ساده رابطه معکوس و معنادار با خودبخشایشگری دارد (جدول ۱) اما بر اساس شکل ۲ زمانی که احساس گناه در قالب مدل معادلات ساختاری در کنار سایر متغیرها قرار می‌گیرد به واسطه

جدول (۲) برآورد شاخص‌های ارزیابی کلیت مدل معادله ساختاری

شاخص	درجه آزادی ^۱	کای اسکوئر	شاخص برازش تطبیقی ^۲	شاخص برازش تطبیقی مقتصد ^۴	ریشه دوم میانگین مربعات خطای برآورد ^۵	هلتز ^۶
مقدار	۳۹	۵	۰/۹۰	۰/۶۲	۰/۰۸	۹۹

۱ شاخص (DF) هر چقدر بزرگ‌تر، مطلوب‌تر

۲ دامنه مطلوب برای شاخص کای اسکوئر نسبی (CMIV/DF) مقادیر بین ۱ تا ۵ است.

۳ دامنه مطلوب برای شاخص برازش تطبیقی (CFI)، مقادیر بین ۰/۹۰ تا ۱ است

۴ دامنه مطلوب برای شاخص برازش تطبیقی مقتصد (PCFI)، مقادیر بین ۰/۵۰ تا ۱ است

۵ دامنه مطلوب برای شاخص ریشه دوم میانگین مربعات خطای برآورد (RSMEA) مقادیر بین ۰ تا ۰/۰۸ است.

۶ دامنه قابل قبول برای شاخص (Holter) مقادیر بین ۷۵ تا ۲۰۰ و دامنه مطلوب برای این شاخص مقادیر بالاتر از عدد ۲۰۰ است.

سویل مشکل مربوط به توزیع غیرنرمال اثر غیر مستقیم نمونه وجود دارد و چون روش بوت استرپ باز نمود تجربی توزیع اثر غیرمستقیم نمونه را فراهم می‌آورد، دیگر پژوهشگر با چنین مشکلی روبرو نیست و دوم اینکه روش بوت استرپ توان آماری بیشتری دارد (مک کینون، لاک وود و ویلیامز^۲، ۲۰۰۴)، و سوم امکان گرفتن داده‌های نمونه ای مجدد و/یا اعتبار متقاطع با دو نیمه کردن نمونه‌ها امکانپذیر نبود (شوماخر و لومکس، ۱۳۸۸). بر این اساس به منظور برآورد مربوط به پارامترهای اصلی مدل معادله ساختاری (اثرات کل، مستقیم و غیرمستقیم متغیرهای مستقل پژوهش) از روش خودگردان‌سازی (بوت استرپینگ) استفاده شد، برآوردهای مربوط به این تکنیک در جدول زیر گزارش شده است:

شاخص‌های ارزیابی کلیت مدل معادله ساختاری با مدنظر قرار دادن دامنه مطلوب این شاخص‌ها در مجموع بیانگر این است که مدل مفروض تدوین شده توسط داده‌های پژوهش حمایت می‌شوند، به عبارت دیگر برآزش داده‌ها به مدل برقرار است و همگی شاخص‌ها دلالت بر مطلوبیت مدل معادله ساختاری دارند. اما با توجه به غیرنرمال بودن مقادیر و با توجه به ضرورت بررسی نقش میانجی متغیرهای مدل فرضی ضروری است تا روش بوت استرپ استفاده و نتایج با یکی از سه حداکثر درست‌نمایی، حداقل مربعات تعمیم یافته و حداقل مربعات غیروزی مقایسه شود که با روش حداکثر درست‌نمایی این مقایسه انجام گرفت که اریب بوت استرپ یا تفاوت آن بسیار کوچک بود و چون وزن‌های رگرسیونی و برآوردهای میانگین بوت استرپ در این روش برآوردهای پایدارتری از وزن‌های رگرسیونی جامعه آماری ارایه می‌کند از این روش در نرم افزار Amos استفاده شد.

از روش بوت استرپ در برنامه Amos آربوکل و و تک^۱ (۱۹۹۹) برای تعیین معناداری مسیرهای غیر مستقیم متغیر مستقل بر متغیرهای وابسته از طریق متغیرهای میانجی استفاده گردید. بوت استرپ در برنامه Amos توزیع نمونه‌گیری برآورد پارامترها و خطاهای معیار مربوط به آن را ارزیابی می‌کند. چنین ارزیابی برای تعیین میزان مقاوم بودن پارامترها تحت مفروضه‌های نرمال بودن چند متغیره یا بد تدوین شدن مدل، مقایسه مدل‌های جایگزین و مقایسه روش‌های برآورد مفید است. ۳ علت اساسی، استفاده از این روش را در مطالعه حاضر توجیه می‌کند: اول آنکه در آزمون

2 MacKinnon, Lockwood & Williams

1 Arbuckle & Wothke

جدول (۳) اثرات کل، مستقیم و غیرمستقیم متغیرهای مستقل پژوهش با روش بوت استراپ (خودگردان سازی)

برآورد

غیرمستقیم		مستقیم		کل		متغیر وابسته	مسیر	متغیر مستقل
سطح معناداری	استاندارد	سطح معناداری	استاندارد	سطح معناداری	استاندارد			
-	-	۰/۰۲۵	۰/۸۸	۰/۰۲۵	۰/۸۸	احساس گناه		
-	-	۰/۰۰۶	۰/۵۳	۰/۰۰۶	۰/۵۳	همدلی		
-	-	۰/۰۱۶	۰/۸۵	۰/۰۱۶	۰/۸۵	احساس شرم		
۰/۰۱۲	۰/۴۷	-	-	۰/۰۱۲	۰/۴۷	رفتارهای دلجویی	<---	شدت تخطی
۰/۰۱۲	۰/۱۱	-	-	۰/۰۱۲	۰/۱۱	بخشایشگری ادراک- شده		
۰/۰۰۴	۰/۲۳	-	-	۰/۰۰۴	۱/۰۲۳	خودبخشایشگری		
۰/۰۰۴	-۰/۳۲	-	-	۰/۰۰۴	۲-۰/۳۲			
-	-	۰/۰۱۲	۰/۵۳	۰/۰۱۲	۰/۵۳	رفتارهای دلجویی	<---	احساس گناه
۰/۰۱۰	۰/۱۲	-	-	۰/۰۱۰	۰/۱۲	بخشایشگری ادراک-	<---	
-	-	۰/۰۱۵	۰/۲۴	۰/۰۱۵	۰/۲۴	شده	<---	رفتارهای دلجویی
۰/۰۰۵	۰/۰۹	-	-	۰/۰۰۵	۰/۰۹		<---	
-	-	۰/۰۱۲	۰/۴۰	۰/۰۱۲	۰/۴۰	خودبخشایشگری	<---	بخشایشگری ادراک- شده
-	-	۰/۰۰۴	۰/۴۸	۰/۰۰۴	۰/۴۸		<---	همدلی
-	-	۰/۰۰۵	-۰/۵۳	۰/۰۰۵	-۰/۵۳		<---	احساس شرم
۰/۰۰۳	۰/۰۲	-	-	۰/۰۰۳	۲/۰/۰۲	خودبخشایشگری	<---	شدت تخطی

(P<۰/۰۵)

۱ با میانجی گری متغیر همدلی

۲ با میانجی گری متغیر احساس شرم

۳ با میانجی گری احساس گناه، رفتارهای دلجویی و بخشایشگری ادراک شده

معنادار است ($P < 0/05$). بنابراین متغیر بخشایشگری ادراک شده در رابطه بین متغیر رفتارهای دلجویی با خودبخشایشگری نقش میانجی ایفا می‌کند. اثرات مستقیم متغیرهای بخشایشگری ادراک شده، همدلی و احساس شرم بر متغیر خودبخشایشگری به لحاظ آماری معنادار است ($P < 0/05$). با مدنظر قرار دادن ضرایب تأثیر مربوط به متغیرهای فوق می‌توان بیان داشت اثر متغیرهای بخشایشگری ادراک شده و همدلی بر متغیر خودبخشایشگری مستقیم و در حد متوسط و اثر متغیر احساس شرم بر متغیر خودبخشایشگری معکوس و در حد متوسط به بالا برآورد می‌شود. اثرات مستقیم متغیر شدت تخطی بر خودبخشایشگری با میانجی‌گری متغیرهای احساس گناه، رفتارهای دلجویی و بخشایشگری ادراک شده نقش میانجی ایفا می‌کند و متغیرهای همدلی و احساس شرم در رابطه بین متغیر شدت تخطی با متغیر خودبخشایشگری نقش میانجی دارند. میانجی‌گری متغیر احساس گناه و همدلی مستقیم و میانجی‌گری احساس شرم معکوس برآورد می‌شود. اثر مستقیم متغیر احساس گناه بر رفتارهای دلجویی به لحاظ آماری معنادار است ($P < 0/05$). با توجه به مقدار ضریب تأثیر ($\beta = 0/53$) این اثر مستقیم و در حد متوسط به بالا برآورد می‌شود. اثر غیرمستقیم متغیر احساس گناه بر بخشایشگری ادراک شده نیز به لحاظ آماری معنادار است ($P < 0/05$). بنابراین متغیر رفتارهای دلجویی در رابطه بین متغیر احساس گناه و بخشایشگری ادراک شده نقش میانجی ایفا می‌کند. اثر مستقیم متغیر رفتارهای دلجویی بر متغیر بخشایشگری ادراک شده به لحاظ آماری معنادار است ($P < 0/05$). بنابراین با توجه مقدار ضریب تأثیر ($\beta = 0/24$) این اثر مستقیم و در حد متوسط برآورد می‌شود و اثر غیرمستقیم متغیر رفتارهای دلجویی بر متغیر خودبخشایشگری نیز به لحاظ آماری

مقادیر برآورد شده در جدول بالا بیانگر آن است که اثر مستقیم متغیر شدت تخطی بر متغیرهای احساس گناه، همدلی و احساس شرم به لحاظ آماری معنادار است ($P < 0/05$). با توجه به مقادیر مربوط به ضریب تأثیر متغیر شدت تخطی بر این متغیرها می‌توان بیان داشت که اثر شدت تخطی بر هر سه متغیر مستقیم و در حد بالا برآورد می‌شود. در خصوص اثرات غیرمستقیم متغیر شدت تخطی نیز باید اذعان کرد اثرات غیرمستقیم این متغیر بر متغیرها رفتارهای دلجویی، بخشایشگری ادراک شده و خودبخشایشگری به لحاظ آماری معنادار است ($P < 0/05$). بنابراین متغیر احساس گناه در رابطه بین متغیر شدت تخطی با متغیرهای رفتارهای دلجویی و بخشایشگری ادراک شده نقش میانجی ایفا می‌کند و متغیرهای همدلی و احساس شرم در رابطه بین متغیر شدت تخطی با متغیر خودبخشایشگری نقش میانجی دارند. میانجی‌گری متغیر احساس گناه و همدلی مستقیم و میانجی‌گری احساس شرم معکوس برآورد می‌شود. اثر مستقیم متغیر احساس گناه بر رفتارهای دلجویی به لحاظ آماری معنادار است ($P < 0/05$). با توجه به مقدار ضریب تأثیر ($\beta = 0/53$) این اثر مستقیم و در حد متوسط به بالا برآورد می‌شود. اثر غیرمستقیم متغیر احساس گناه بر بخشایشگری ادراک شده نیز به لحاظ آماری معنادار است ($P < 0/05$). بنابراین متغیر رفتارهای دلجویی در رابطه بین متغیر احساس گناه و بخشایشگری ادراک شده نقش میانجی ایفا می‌کند. اثر مستقیم متغیر رفتارهای دلجویی بر متغیر بخشایشگری ادراک شده به لحاظ آماری معنادار است ($P < 0/05$). بنابراین با توجه مقدار ضریب تأثیر ($\beta = 0/24$) این اثر مستقیم و در حد متوسط برآورد می‌شود و اثر غیرمستقیم متغیر رفتارهای دلجویی بر متغیر خودبخشایشگری نیز به لحاظ آماری

بحث

هدف اصلی این پژوهش، رابطه بین شدت تخطی‌ها، همدلی، احساس گناه و شرمساری، رفتارهای دلجویی و بخشایشگری ادراک شده با خودبخشایشگری بود. بررسی نتایج پژوهش در سطح روابط ساده‌ی همبستگی رابطه معنادار بین شدت تخطی‌ها، همدلی، احساس گناه، شرمساری، رفتارهای دلجویی و بخشایشگری ادراک شده با خودبخشایشگری را نشان داد.

رابطه شدت تخطی با خودبخشایشگری معکوس و معنادار به دست آمد که در راستای پژوهش‌های هال و

در حل مشکلات بین فردی ماهرتر هستند و احتمالاً خشم خود را از طریق بحث غیر خصمانه و بازسازی شناختی آزاد می‌کنند (تانگنی و دیرینگ، ۲۰۰۲). این امر به این خاطر است که احساس گناه بر اعمال خاص منفی تمرکز دارد و مستلزم بی‌ارزشی کلی "خود" نیست (تانگنی، ۱۹۹۵). احساس گناه به خطا کار انگیزه می‌دهد تا تخطی خود را با گذراندن مراحل اصلاح و ایجاد تعهد نسبت به تغییر رفتار در آینده جبران نماید (لیث و بومیستر، ۱۹۹۸؛ تانگنی و دیرینگ، ۲۰۰۲). مسیری که توسط آن احساس گناه حل می‌شود، به خوبی از طریق مفهومی که به عنوان خلأ بی‌عدالتی نامیده می‌شود توجیه می‌شود (اکسلاین، ورتینگتون، هیل و مک کالو، ۲۰۰۳). خطا کاران از تفاوت بین اعمال خود و رفتار صحیح با قربانی آگاه هستند و این مسأله باعث احساس گناه می‌شود. تخطی گران سعی می‌کنند تا خلأ بی‌عدالتی را توسط تنبیه خود یا شرکت در فعالیت‌های جبرانی مانند اعتراف، پذیرش اشتباه و معذرت‌خواهی برای قربانی پر نمایند و انجام این رفتارهای جبرانی باعث کاهش احساس گناه و در نتیجه افزایش خودبخشایشگری خواهد شد (استرادا-هولنیک و هیثرتون، ۱۹۹۸).

شرمساری نتیجه درک تناقض بین «خود واقعی» و معیارهای اخلاقی در مورد این اصل است که انسان چگونه باید باشد و یا اینکه یک انسان والا چگونه موجودی است، در نتیجه به این امر می‌انجامد که شخص برای پرهیز از سرزنش دیگران خود را مخفی سازد. تانگنی (۱۹۹۵) معتقد است احساس گناه و احساس شرمساری به مدل‌های متمایزی از تجربه، از جمله گرایش‌های رفتاری مربوط می‌شوند؛ به این ترتیب که شرمساری به تمایل به فرار یا انتقام منجر می‌گردد. بنابراین احساس شرمساری، احتمال رفتارهای جبرانی را

فینچام (۲۰۰۵ و ۲۰۰۸)، (۲۰۱۰)، مک کانل (۲۰۰۹) است. در تبیین این نتایج می‌توان گفت خطا کارانی که تخطی شدیدی مرتکب می‌شوند، احتمالاً احساسات طردشدگی، خودتنبیهی و دوست نداشتن خود را تجربه نموده و همچنین هیچ رفتاری حاکی از خودباوری و خودبخشایشگری نشان نمی‌دهند. همچنین تجربه خطای شدید و مفرط می‌تواند از توانایی فرد برای بکارگیری رفتارهای جبرانی ممانعت کند که به حالات عصبی، انزوای اجتماعی و افسردگی منجر خواهد شد و در مجموع عدم توسعه و بسط رحم و شفقت نسبت به خود، مانع خودبخشایشگری خواهد شد. رابطه احساس گناه و شرمساری نیز با خودبخشایشگری معکوس و معنادار به دست آمد که همسو با نتایج هال و فینچام (۲۰۰۸) است بدین شرح که به دنبال ارتکاب تخطی، یک احساس منفی درونی در شخص ایجاد می‌گردد که منجر به احساس گناه و شرمساری می‌گردد. شخصی که احساس گناه می‌کند احتمالاً دچار احساساتی همچون تأسف و پشیمانی، حقارت، تنش و استرس می‌شود و خود را انسان بدی می‌پندارد، در نتیجه نمی‌تواند نسبت به خود احساس ترحم و دلسوزی نماید و در رابطه با پذیرش خود دچار مشکل شده و با خودسرزنشگری در صدد جبران از راه مجازات خویش بر می‌آید. هال و فینچام (۲۰۰۵) نیز دریافتند احساس گناه با تنش‌های عاطفی از جمله اضطراب همراه است. هال و فینچام (۲۰۰۸) معتقدند سطوح بالای احساس گناه به دلیل تأثیر منفی بر خودبخشایشگری ادراک شده، مانع خودبخشایشگری خواهد شد، چرا که خطا کاران می‌پندارند دیگر هیچگاه توسط قربانی بخشیده نخواهند شد و به رفتارهای خودتنبیهی ادامه می‌دهند. از طرفی احساس گناه بر خلاف شرم، به نظر می‌رسد، انطباقی‌تر باشد و افراد متمایل به احساس گناه

دنبال انجام تخطی، فرد خاطی ممکن است با تعهد در مورد رفتارهای قربانی، به منظور اعمال عدالت برای بهبود روابط آسیب دیده، تمایل نشان دهد. رفتارهایی مانند جبران، عذرخواهی، اعتراف به تخلف، تلاش برای تلافی کردن و طلب عفو به عنوان رفتارهای دلجویی تعریف شده‌اند (فیشر و اکسلاین، ۲۰۰۶). همگی این رفتارها به دلیل تأثیر بر بخشایشگری ادراک شده منجر به افزایش احساس خودبخشایشگری خواهد شد. بخشایشگری ادراک شده (به صورت یک عمل کاملاً ادراکی) نیز هم در سطح روابط ساده و هم پیچیده به طور مثبتی در ارتباط با خودبخشایشگری بود. این نتیجه با نتایج پژوهش هال و فینچام (۲۰۰۸) و مکالو، فینچام و تسانگ (۲۰۰۳) در یک راستا است و بدین صورت قابل تشریح است که خطا کار هنگامی که فکر کند توسط قربانی بابت ارتکاب تخطی بخشیده شده است، بسط و رشد بخشش خود نیز آسانتر و فرایند خودبخشایشگری آغاز می‌شود (هال و فینچام، ۲۰۰۸). نکته قابل توجه در پژوهش حاضر که در پژوهش‌های قبلی بدین شکل بررسی نشده است، در نظر گرفتن همزمان نقش میانجی سه متغیر احساس گناه، رفتارهای دلجویی و بخشایشگری ادراک شده در رابطه بین شدت تخطی با خودبخشایشگری بود که علیرغم مقدار آماره کوچک (۰/۰۲) اما قویاً معنادار بود که مدل هال و فینچام (۲۰۰۸) نیز در متن نظری خود به این نوع تأثیر گذاری و شکل گیری رفتار خودبخشایشگری اذعان داشته است. برخی از متغیرها دارای اثر مرکب در پیش بینی یا میانجی‌گری بین متغیرها هستند که در تحلیل‌های مرحله‌ای به تفکیک بررسی می‌شوند، اما علاوه بر این سطح اثر نقش ترکیبی میانجی‌گرها غیر قابل انکار است که به دلیل سطوح تبیین پیچیده از آن صرف نظر می‌شود؛ در حالی که در مطالعه حاضر

کاهش می‌دهد. همچنین طبیعت خودمحوری^۱ احساس شرمساری (برخلاف طبیعت دیگرمحوری^۲ احساس گناه)، ممکن است ارتباط ضعیف یا نامربوطی با خودبخشایشگری داشته باشد (تانگنی و دیرینگ، ۲۰۰۲).

در این پژوهش رابطه بین همدلی با خودبخشایشگری هم در سطح روابط ساده و هم در سطح روابط پیچیده معادلات ساختاری مثبت و معنادار به دست آمد که این نتایج همسو با یافته‌های پژوهش زکمایستر و رومرو (۲۰۰۲) است. در تبیین این یافته می‌توان ذکر کرد، همدلی، نقشی اساسی در تعهدات بین شخصی و تعاملات اجتماعی (فانتال، سوارز، میله، بورگس، پرازرز و همکاران، ۲۰۰۹)، ایجاد دوستی و حفظ آن، افزایش احتمال کمک (گارسیا، دلباریو و آلوچا، ۲۰۰۴)، تنظیم رفتارهای اجتماعی (فایندلی، گراردی و کاپلان، ۲۰۰۶) و ایجاد و حفظ روابط بین شخصی دارد (دیویس، ۱۹۸۰). مجموع این اثرات مثبت اجتماعی به ویژه ایجاد تعهد در شخص خطا کار منجر به مسئولیت‌پذیری و متعاقب آن رفتارهای آشتی‌جویی و جبران خطا خواهد شد که یکی از زمینه‌سازهای اساسی در فرایند خودبخشایشگری هستند (اینگرسول-دیتون و کراس، ۲۰۰۵). تحقیقات راجرز در حوزه مشاوره و روان‌درمانی نیز نشانگر اهمیت همدلی در روابط بین شخصی است (کلت، هومپری و اسلیت، ۲۰۰۶).

رابطه رفتارهای دلجویی با خودبخشایشگری در سطح روابط ساده همبستگی غیرمعنادار به دست آمد. شاید بتوان این امر را به دلیل جامعه آماری متفاوت و یا با توجه به مدل معادلات ساختاری نقش میانجی این متغیر دانست، اما به طور کلی می‌توان تشریح کرد که به

1 self- oriented
2 other- oriented

یافته‌های این پژوهش به عنوان پیشنهاد کاربردی می‌توان بیان داشت؛ درمانگران با کمک به دانشجویانی که دچار تجربه شرمساری شده‌اند، می‌توانند از طریق تغییردهی کانون توجه از نقایص شخصیتی به خطاهای رفتاری قابل اصلاح به مراجعان خود، در طی مراحل خودبخشایشگری کمک کنند. همچنین درمانگران با تحریک حس همدلی در مراجعان خطاکار و ایجاد انگیزه می‌توانند موجبات جبران و رفتارهای دلجویی نسبت به قربانی را فراهم آورند که این خود سطح احساس گناه و شرمساری را به عنوان یک عامل تهدید کننده بهداشت روانی دانشجویان، تضعیف خواهد کرد و با توجه به تأثیر مستقیم همدلی و غیر مستقیم رفتارهای دلجویی بر روی خودبخشایشگری، با تقویت مولفه‌های همدلی و رفتارهای دلجویی می‌توان با کاهش احساس گناه و افزایش بخشایشگری ادراک شده در تخطی‌گران، باعث توسعه خود بخشایشگری در آنان شد.

منابع

شوماخر، ر. ای. و لومکس، ر. ج. (۱۳۸۸). مقدمه‌ای بر مدل سازی معادلات ساختاری با کاربرد برنامه‌های EQS و LISREL و Amos. ترجمه: و. قاسمی. تهران: جامعه‌شناسان.

لبکی، ب. (۱۳۹۳). رابطه بین شدت تخطی‌ها، همدلی، احساس گناه و شرمساری، رفتارهای دلجویی و بخشایشگری ادراک شده با خودبخشایشگری در بین دانشجویان دانشگاه اصفهان. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد اصفهان (خوراسگان).

بررسی این نقش بررسی شد، بنابراین پیشنهاد می‌گردد در بازتعریف متغیرهای نظری پیش بینی کننده متفاوت با متغیرهای پژوهش، این پژوهش برای خودبخشایشگری علاوه بر اندازه گیری تاثیرات پیش بینی کنندگی آشکار، اثرات ترکیبی متغیرها با نقش میانجی مجدداً بررسی و مدل‌هایی همچون روش حداقل‌ترین مربعات، حداقل مربعات تعمیم یافته و حداقل مربعات غیروزنی مقایسه شود.

با وجودی که این پژوهش از لحاظ به کارگیری ابزارها، روش و زیربنای نظری دارای نوآوری است، اما با محدودیت‌هایی نیز مواجه گردید. اول آن که این پژوهش تنها بر روی دانشجویان دانشگاه اصفهان انجام گرفت؛ بنابراین نمی‌توان در خصوص تعمیم نتایج به سایر جوامع اظهار نظر کرد. لذا پیشنهاد می‌گردد این پژوهش بر روی نمونه‌های بزرگتر و جوامع آماری مختلف (دانشگاه‌های دولتی و غیر دولتی دیگر) صورت پذیرد تا در صورت وجود تغییرپذیری احتمالی، دلایل آن مشخص شود و بتوان یک مدل بومی ارایه نمود. محدودیت دوم این که، نتایج حاصل از این پژوهش مبتنی بر همبستگی است و لذا تبیین و تفسیر نتایج به صورت علت و معلولی چندان منطقی نیست که با طراحی مطالعات آزمایشی در این زمینه می‌توان این محدودیت را برطرف کرد. همچنین همه یافته‌های پژوهش حاضر از طریق ابزارهای خودگزارش‌دهی گردآوری شده است و علیرغم آنکه در همه مطالعات داخلی و خارجی ملاک سنجش مقادیر را این نوع ابزارها در نظر می‌گیرند با این همه با توجه به نوع گویه‌ها که رفتارهای مطلوبی را از فرد سوال می‌نمودند، احتمال اریب در پاسخ‌ها محتمل است که در این مورد نیز با کاربری ابزارهای عینی می‌توان این محدودیت را مرتفع کرد. به هر حال، بر اساس

- responsibility. *Journal of Self & Identity*, 5, 127-146.
- Fontenelle, L. F., Soares, I. D., Miele, F., Borges, M. C., Prazeres, A. M., Range, B. P., & Moll, J. (2009). Empathy and symptoms dimensions of patients with obsessive compulsive disorder. *Journal of Psychiatry Research*, 43 (4), 455-463.
- Fredrickson, B. (2002). Positive emotions. In C. R. Snyder & S. J. Lopez (Eds.), *Handbook of positive psychology* (pp. 120-134). New York: Oxford University Press.
- Garcia, L. F., DelBarrio, V., & Aluja, A. (2004). Relationship between empathy and the big five personality traits in a sample of Spanish adolescents. *Social Behavioral Personality*, 32 (7), 677-682.
- Hall, J. H., & Fincham, F. D. (2005). Self-forgiveness: The stepchild of forgiveness research. *Journal of Social & Clinical Psychology*, 24 (5), 621-637.
- Hall, J. H., & Fincham, F. D. (2008). The temporal course of self-forgiveness. *Journal of Social and Clinical Psychology*, 27, 174-202.
- Ingersoll-Dayton, B., & Krause, N. (2005). Self-forgiveness: A component of mental health in later life. *Research on Aging*, 27 (3), 267-289.
- Jacinto, G. A. (2007). Caregivers negotiating self-forgiveness after the death of care-receivers diagnosed with Alzheimer's disease. *Dissertation Abstracts International*, 68 (5), 1-14.
- Kellett, J. B., Humphrey, R. H., & Sleeth, R. G. (2006). Empathy and the emergence of task relations leaders. *The Leadership Quarterly*, 17 (2), 146-162.
- Lazare, A. (2004). *On Apology*. New York: Oxford University Press.
- Leith, K. P., & Baumeister, R. F. (1998). Empathy, shame, guilt, and narratives of interpersonal conflicts: Guilt-prone people are better at perspective taking. *Journal of Personality*, 66 (1), 1-37.
- Luskin, F. (2002). *Forgive for good: A proven prescription for health and happiness*. San Francisco, CA: Harper.
- Maltby, J., Macaskill, A., & Day, L. (2001). Failure to forgive self and others: A replication and extension of the relationship between forgiveness, personality, social desirability and health. نادى، م. ع. و سجادیان، ا. (۱۳۸۹). *مقدمه‌ای بر روش تحقیق کاربردی در علوم انسانی* (چاپ اول). اصفهان: دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوراسگان.
- Arbuckle, J. L., & Wothke, W. (1999). *Amos 4.0 users guide*. Chicago. IL: Small Waters Corporation.
- Avery, C. M. (2008). *The relationship between self-forgiveness and health: Mediating variables and implications for wellbeing*. Ph.D. thesis, University of Hartford. Dissertations Abstracts International, 69, 1939.
- Berry, J. W., & Worthington, E. L. (2001). Forgiveness, relationship quality, stress while imagining relationship events, and physical and mental health. *Journal of Counseling Psychology*, 48, 447-455.
- Bugay, A. (2010). *Investigation of social-cognitive, emotional and behavioral variables as predictors of self-forgiveness*. Ph.D. thesis, Middle East Technical University. Ankara, Turkey.
- Davis, M. (1980). A multidimensional approach to individual differences in empathy. *Catalog of Selected Documents in Psychology*, 10, 85-103.
- Davis, M. H. (1994). *Empathy: A social psychological approach*. Madison, WI: Brown & Benchmark Social Psychological Series.
- Dillon, R. S. (2001). Self-forgiveness and self-respect. *Ethics*, 112, 53-83.
- Estrada-Hollenbeck, M., & Heatherton, T. F. (1998). Avoiding and alleviating guilt through prosocial behavior. In J. Bybee (Ed.), *Guilt and children* (pp. 215-231). San Diego: Academic Press.
- Exline, J. J., Worthington, E. L., Hill, P., & McCullough, M. E. (2003). Forgiveness and justice: A research agenda for social and personality psychology. *Personality and Social Psychology Review*, 7, 337-348.
- Findlay, L. C., Girardi, A., & Coplan, R. J. (2006). Links between empathy, social behavior, and social understanding in early childhood. *Early Childhood Research Quarterly*, 21 (3), 347-359.
- Fisher, M. L., & Exline, J. J. (2006). Self-forgiveness versus excusing: The roles of remorse, effort, and acceptance of

- Shiota, M. N., Campos, B., Keltner, D., Hertenstein, M. J., & Philippot, P. (2004). Positive emotion and the regulation of interpersonal relationships. In R. S. Feldman (Ed.), *The regulation of emotion* (pp. 127-155). Mahwah, NJ, US: Lawrence Erlbaum Associates Publishers.
- Strelan, P. (2007). Who forgives others, themselves, and situations? The roles of narcissism, guilt, self-esteem, and agreeableness. *Personality and Individual Differences*, 42 (2), 259-269.
- Tangney, J. P. (1995). Recent advances in the empirical study of shame and guilt. *American Behavioral Scientist*, 38 (8), 1132-1145.
- Tangney, J. P., & Dearing, R. L. (2002). *Shame and guilt*. New York: Guilford Publications.
- Tangney, J. P., Boone, A. L., & Dearing, R. L. (2005). Forgiving the self: Conceptual issues and empirical findings. In E. L. Worthington (Ed.), *Handbook of forgiveness* (pp. 143-158). New York: Routledge.
- Thompson, L. Y., Snyder, C. R., Hoffman, L., Michael, S. T., Rasmussen, H. N., Billings, L. S., & et al. (2005). Dispositional forgiveness of self, others, and situations. *Journal of Personality*, 73, 313-360.
- Witvliet, C. V., Ludwig, T. E., & Bauer, D. J. (2002). Please forgive me: Transgressors' emotions and physiology during imagery of seeking forgiveness and victim responses. *Journal of Psychology & Christianity*, 21, 219-233.
- Wohl, M. J., DeShea, L., & Wahkinney, R. L. (2008). Looking within: Measuring state self-forgiveness and its relationship to psychological wellbeing. *Canadian Journal of Behavioral Science*, 40, 1-10.
- Worthington, E. L. (2006). *Forgiveness and reconciliation: Theory and application*. New York: Routledge.
- Zechmeister, J. S., & Romero, C. (2002). Victim and offender accounts of interpersonal conflict: Autobiographical narratives of forgiveness and unforgiveness. *Journal of Personality and Social Psychology*, 82, 675-686.
- Personality and Individual Differences*, 30, 881-885.
- Marschall, D., Sanftner, J., & Tangney, J. P. (1994). *The State Shame and Guilt Scale*. George Mason University, Fairfax, VA.
- McConnell, J. M. (2009). *Confirming a model of self-forgiveness*. Ph.D. thesis, Ball State University. Muncie, Indiana.
- McConnell, J. M., Dixon, D., Finch, N., & Holmes, W. (2012). An alternative model of self-forgiveness. *The New School Psychology Bulletin*, 35-51.
- McCullough, M. E., Sandage, S. J., & Worthington, E. L. (1997). To forgive is human. *Intervarsity*, 19 (1), 43.
- McCullough, M. E., Rachal, K. C., Sandage, S. J., Worthington, E. L., Brown, S. W., & Hight, T. L. (1998). Interpersonal forgiving in close relationships: Theoretical elaboration and measurement. *Journal of Personality and Social Psychology*, 75, 1586-1603.
- McCullough, M., Fincham, F. D., & Tsang, J. (2003). Forgiveness, forbearance, and time: The temporal unfolding of transgression-related interpersonal motivations. *Journal of Personality and Social Psychology*, 84 (3), 540-557.
- MacKinnon, D. P., Lockwood, C. M., & Williams, J. (2004). Confidence limits for the indirect effect: Distribution of the product and resampling methods. *Multivariate Behavioral Research*, 39, 99-128.
- Myers, D. G. (2010). *Social Psychology*, Ohio: McGraw-Hill Comp.
- Overbey, G. A., Snell, W. E., & Callis, K. E. (2009). Subclinical ADHD, stress, and coping in romantic relationships of university students. *Journal of Attention Disorders*, 20 (10), 1-12.
- Sarason, B. R., & Duck, S. (2001). *Personal relationships: Implications for clinical and community psychology*. New Jersey: John Wiley.
- Saricam, H., & Akın, A. (2013). The Turkish version of the Trait Forgiveness Scale: The study of validity and reliability. *Journal of Hasan Ali Yücel Education Faculty- Hayef*, 10, 2.
- Seligman, M., & Csikszentmihalyi, R. (2000). Positive psychology: an introduction. *American Psychologist*, 55 (1), 5-14.

The Relationship between the Severity of Transgressions, Empathy, Guilt and Shame, Conciliatory Behaviors and Perceived Forgiveness with Self-Forgiveness among the University of Isfahan Students

M. Nadi^{1*}, B. Labaki²

1- Associate Professor, Department of Psychology, Faculty of Education and Psychology, Islamic Azad University of Isfahan (Khorasgan), Isfahan, Iran.

2- M.A. in Psychology, Department of Psychology, Faculty of Education and Psychology, Islamic Azad University of Isfahan (Khorasgan), Isfahan, Iran.

Abstract

The objective of the present study was to determine the structural equation model of the effects on the severity of transgressions, empathy, guilt and shame, conciliatory behaviors as well as perceived forgiveness and self-forgiveness among University students. It had a causal-correlation research method. The statistical population of the research was all BA students at Isfahan State University in 2013-14 academic year from whom 361 individuals were selected through random sampling method suitable for the sample size. The research instruments included MC Connell questionnaire of meaning differentiation Davis interpersonal reaction, Marschall, Sanftner & Tangney questionnaire of guilt and shame, McCullough, Rachal, Sandage, Worthington, Brown, Hight interpersonal motivation of transgressions, Wohl, DeShea, & Wahkinney self-forgiveness. The results of the study showed that there is a significant opposite relationship between the severity of transgression, guilt, shame and self-forgiveness. There was no significant relationship between conciliatory behaviors and self-forgiveness. Besides, there was a positive significant relationship between empathy as well as self-forgiveness and self-forgiveness. The results of structural modeling, too, showed that the variables of empathy, shame and perceived forgiveness had direct effect on self-forgiveness. Moreover, conciliatory behaviors and perceived forgiveness had mediator roles.

Keywords: self-Forgiveness, empathy, guilt, conciliatory, university students.

* mnadi@khuisf.ac.ir